

موانع حقوقی جذب و پذیرش سرمایه‌گذاری خارجی در ایران



مقدمه

کامل حمید

کارشناسی ارشد حقوق خصوصی، پژوهشگر و مشاور حقوقی

روش و شیوه تأمین مالی و تهیه بودجه اجرایی لازم برای انجام پروژه‌های کلان در حوزه‌های مختلف و بهره‌برداری از محصولات و خدمات حاصل از آن، در حال حاضر به‌عنوان یکی از مهم‌ترین چالش‌های پیش روی کشورهای درحال توسعه است. با گذشت زمان، نه تنها کشورهای درحال توسعه، بلکه کشورهای توسعه‌یافته نیز در مسیر پیشرفت اقتصادی با مسائل تازه‌ای روبه‌رو می‌شوند که راه حل آن‌ها، تنها با ابزارهای نظری و عملی نو میسر است. تأمین منابع مالی خارجی و به‌کارگیری روش‌های متنوع آن یکی از ابزارها و پیش‌نیازها برای توفیق کشورها در دستیابی به رشد و توسعه اقتصادی و محقق نمودن اهداف کلان توسعه‌ای آن‌ها است. بین روش‌های گوناگون تأمین مالی خارجی، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی یکی از کارآمدترین و تأثیرگذارترین روش‌ها به‌ویژه از منظر کشورهای میزبان است. در ایران، نیز، با تصویب قانون جلب و حمایت سرمایه‌گذاری خارجی در سال ۱۳۳۴ و در نهایت، پس از انقلاب با تصویب قانون تشویق و حمایت سرمایه‌گذاری خارجی در سال ۱۳۸۱ به‌عنوان جایگزین قانون قبلی، محیط قانونی و مقرراتی لازم و پیش‌نیاز اساسی ورود و فعالیت سرمایه‌گذاران خارجی را در کشور فراهم نمود. در حوزه جذب سرمایه‌گذاری خارجی و جریان‌ات سرمایه‌گذاری ضروری است با اتخاذ رویکردی تحول‌گرا در برخی ترتیبات متداول کشور از قبیل نظامات بودجه‌ریزی، طراحی و ارائه مشوق‌های سرمایه‌گذاری رقابتی و بهبود فضای سرمایه‌گذاری و محیط عمومی کسب‌وکار، ضمن ایجاد ابزارها و ظرفیت‌هایی نوین و کارآمد برای سازمان سرمایه‌گذاری، کشور را به سمت جهش در جذب سرمایه‌گذاری‌های خارجی و بالفعل کردن ظرفیت‌های اقتصادی بکر و استفاده‌نشده، سوق دهد.

موانع حقوقی جذب و پذیرش سرمایه‌گذار (سرمایه‌گذاری خارجی) در ایران:

۱. موانع حقوقی مندرج در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

اصول متعددی وجود دارد که در عمل راه را بر ورود سرمایه‌گذاران خارجی در ایران بسته است. در این گفتار، این اصول به‌طور خلاصه مورد بحث و بررسی قرار خواهند گرفت.

اصل ۴۴ قانون اساسی

به‌موجب اصل (۴۴) قانون اساسی، «نظام اقتصادی جمهوری اسلامی ایران بر پایه سه بخش دولتی، تعاونی و خصوصی با برنامه‌ریزی منظم و صحیح استوار است. بخش دولتی شامل کلیه صنایع بزرگ و مادر، بازرگانی خارجی، معادن بزرگ، بانکداری، بیمه، تأمین نیرو، سدها و شبکه‌های بزرگ آب‌رسانی، رادیو و تلویزیون،

پست و تلگراف و تلفن، هواپیمایی، کشتیرانی، راه و راه‌آهن و مانند این‌ها که به‌صورت مالکیت عمومی و در اختیار دولت است. بخش خصوصی شامل آن قسمت از کشاورزی، دامداری، صنعت، تجارت و خدمات می‌شود که مکمل فعالیت‌های اقتصادی دولتی و تعاونی است. مالکیت در این سه بخش تا جایی که با اصول دیگر این فصل مطابق باشد و از محدوده قوانین اسلام خارج